بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی انار قلوب المؤمنین بنوار الکاوین
والمنافقین وجعل نفسه علی قطع دابر الظالمین
والصلوة علی فخر العالمین محمد واهل بیته الطاهرین
ولعنة الله علی اعدائهم الی یوم الدین اما بعد
چنین گوید تراب اقدام طالبان حق و یقین محمد باقر
بن محمد تقی حشرهما الله مع الائمة المعصومین
که چون در تاریخ کشته شدن عمر بن الخطاب علیه
اللعنة والعذاب میان خاصه و عامه اختلاف
هست درین رساله اشاره مجمل باقوال و مستند
الهامی نماید بدانکه مشهور میانه علمای خاصه
و عامه آنست که کشتن آن ملعون در بیست و
ششم ماه ذی الحجه واقع شد و بعضی بیست
و هفتم نیز گفته اند و مستند این دو قول نقل
مورخانست و از کتب معتبره چنان معلوم می
شود که چنانچه الحال میان عوام شیعه مشهور است
قتل آن ملعون در نهم ماه ربیع الاول واقع شده
است و سابقا میان جمعی از شیعه نیز چنین

مشهور

مشهور بوده است و سید بزرگوار علی بن طاوس رض
در کتاب اقبال اشاره نموده است بانکه ابن بابویه
علیه الرحمة والرضوان روایتی از حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه روایت کرده است که آن
ملعون در روز نهم ماه ربیع الاول بدرک اسفل
متوجه شده است و از نقل او چنان مفهوم می
شود که شیخ صدوق چنین اعتقاد داشته است
هرچند خود آن حدیث را تاویلات نموده است
و ایضا سید ذکر کرده است که جماعتی از شیعیان
عجم پیوسته آن روز را باین سبب تعظیم و تکریم نموده
اند و خلف بزرگوار سید علی بن طاوس در کتاب
زواید الفواید این مذهب را تقویت کرده است
و روایت معتبری درین باب ایراد نموده است
چنانچه گفته است که روایت کرده اند که محمد
بن العلا همدانی و یحیی بن محمد بن جریج بغدادی
که روزی ما منازعه کردیم در باب عمر بن الخطاب
علیه اللعنة والعذاب و رفتیم در شهر قم بنزد احمد بن
اسحق قمی که از خواص حضرت امام علی نقی و امام حسن

عسکری صلوات الله علیهما بود و بخدمت حضرت
صاحب الامر علیه السلام نیز رسیده بود و چون در را
کوبیدیم دختر عراقی بیرون آمد و احوال احمد را
از او پرسیدیم گفت او امروز مشغول اعمال عید است
و این روز نهم ماه ربیع الاول بود گفتیم سبحان الله
عیدهای مؤمنان چهار است عید فطر و عید
اضحی و عید غدیر و روز جمعه آن دختر گفت که
احمد بن اسحق از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه
روایت میکند که امروز عید است و بهترین
عیدهاست نزد اهل بیت رسالت علیهم السلام
و شیعیان ایشان گفتیم که رخصت بطلب تا
بنزد او آییم چون آن دختر او را خبر کرد بیرون آمد
بسوی ما و لنگی بسته بود و عبایی بر خود پیچیده
بود و بوی مشک از او ساطع بود ما گفتیم که این
چه حالتست که در تو مشاهده می کنیم گفت الحال
از غسل عید فارغ شده ام گفتیم امروز مگر عید است
گفت بلی و ما را در خانه خود در آورد و بر روی
کرسی نشانید و گفت روزی با جمعی از برادران

خود

خود بنزد مولای خود حضرت امام حسن عسکری ع
رفتیم در سر من رای در مثل این روز که شما بنزد من
آمده اید چون رخصت یافتیم و بخدمت حضرت
رسیدیم دیدیم که حضرت مجلس خود را آراسته
و مجمره در پیش خود گذاشته است و بدست مبارک
خود عود در آن مجمره می اندازد و مجلس خود را مزین
گردانیده است و بر غلامان و خدمتکاران خود
جامه های فاخر پوشانیده است گفتیم یا ابن رسول الله
پدران و مادران ما فدای تو باد آیا از برای اهل بیت
امروز فرحی تازه رو داده است حضرت فرمود
کدام روز حرمتش از این روز نزد اهل بیت عظیم
تر است بدرستی که خبر داد مرا پدرم علیه السلام که
حذیفه بن یمان در روز نهم ماه ربیع الاول داخل شد
بر جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله حذیفه گفت
که دیدم که حضرت امیر المؤمنین و حضرت امام حسن
و حضرت امام حسین صلوات الله علیهم را که با
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله طعام
تناول می نمودند و آن حضرت بر روی ایشان تبسم می

نمود و با امام حسن و امام حسین علیهما السلام
گفت بخورید گوارا باد از برای شما برکت این روز
بلدستی که این روزیست که حق تعالی هلاک می
کند درین روز دشمن خود و دشمن جد شما را و
مستجاب میکرد اند درین روز دعای مادر شما را بخورید
که این روزیست که حق تعالی درین روز قبول می کند
اعمال شیعیان و محبان شما را بخورید که این روزیست
که ظاهر میشود راستی قول خدا که می فرماید که فتلک
بیوتهم خاویة بما ظلموا یعنی اینست خانهای ایشان که
که خالی گردیده است بسبب ستمهای ایشان بخورید که
که این روزیست که شکسته میشود درین روز
شوکت دشمن جد شما و یاری کنندهٔ دشمن شما
بخورید که درین روز هلاک می شود فرعون اهل بیت
من و ستم کننده بر ایشان و غصب کنندهٔ حق
ایشان بخورید که این روزیست که حق تعالی
دشمنان شما را باطل و هبا می کرداند حذیفه گفت که
من گفتم یا رسول الله آیا در میان امت تو کسی خواهد بود
که هتک این حرمتها نماید حضرت فرمود که ای حذیفه

بتی از منافقان بر ایشان سر کرده خواهد شد و دعوای
ریاست در میان ایشان خواهد نمود و تازیانهٔ
ظلم و ستم را بر دوش خواهد گرفت و مردم را از راه
خدا منع خواهد کرد و کتاب خدا را تحریف خواهد
نمود و سنت مرا تغییر خواهد داد و میراث فرزند
مرا متصرف خواهد شد و خود را پیشوای مردم
خواهد خواند و زیادتی بر وصی من علی بن ابی طالب خواهد
کرد و در غیر طاعت خدا صرف خواهد کرد و مرا
و برادر من و وزیر من علی را بدروغ نسبت خواهد
داد و دختر مرا از حق خود محروم خواهد کرد. بند
پس دختر من او را نفرین خواهد کرد و حق تعالی
نفرین او را درین روز مستجاب خواهد کرد اید
حذیفه گفت یا رسول الله چرا دعا نمیکنی که حق تعالی
او را در حیوة تو هلاک کرداند حضرت فرمود ای
حذیفه دوست نمیدارم که جرأت کنم بر قضای
خدا و از و طلب کنم تغییر امری را که در علم او گذشته است
ولیکن از حق تعالی سؤال کردم که فضیلت دهد آن
روزی را که در آن روز او بجهنم می رود بر سایر روزها

تا انکه احترام ان روز سنتی کردد درمیان دوستان
من و دوستان وشیعیان اهلبیت من پس حق تعالی
وحی کرد بسوی من که ای محمد در علم سابق من
کذشته است که دریابد تو و اهلبیت ترا محنتها
وبلاهای دنیا وستمهای منافقان وغصب کنندکان
ازبندکان من ان منافقانی که تو خیرخواهی ایشان
کردی وبا تو خیانت کردند وتو با ایشان راستی
کردی وایشان با تو مکر کردند وتو با ایشان صاف
بودی وایشان دشمنی ترا بدل کرفتند وتو ایشانرا
خوشنود کردانیدی وایشان ترا تکذیب کردند
وتو ایشانرا ابر کزیدی وایشان ترا در بلیه کذاشتند
وسوکند یاد میکنم بحول وقوت وپادشاهی خود که
البته بکشایم بر روح کسی که غصب کند حق علی را
که وصی تست بعد از تو هزار در از پست ترین
طبقهای جهنم که انرا فیلوق میکویند واو را و
اصحاب او را در قعر جهنم جا دهم که شیطان از
مرتبهٔ خود بر او مشرف شود واو را لعنت کند و
ان منافق را در قیامت عبرت کردانم برای
فرعو

فرعونهای که در زمان پیغمبران دیکر بوده اند و برای سایر
دشمنان دین وایشانرا و دوستان ایشانرا بسوی
جهنم برم با دیدهای کبود ورودهای ترش با نهایت
مذلت وخواری وپشیمانی وایشانرا ابدالاباد در
عذاب خود بدارم ای محمد بمیرسد علی بمنزلهٔ تو مکر با تو
میرسد با او از بلاها از فرعون او وغصب کنندهٔ
حق او که جرات می کند بر من وکلام مرا بدل می کند
وشرک بمن می آورد ومردم را منع میکند از راه رضای
من وکوساله را از برای امت تو برپا می کند که از ابوبکر است
وکافر میشود بمن در عرش عظمت وجلال من بدرستی
که من امر کرده ام ملائکهٔ هفت اسمان خود را که برای
شیعیان ومحبان دین شما که عید کنند ان روز را که ان ملعون
کشته میشود وامر کردم ایشانرا که کرسی کرامت مرا
نصب کنند در برابر بیت المعمور وثنا کنند بر من
وطلب امرزش نمایند برای شیعیان ومحبان شما
از فرزندان ادم وامر کرده ام ملائکهٔ نویسندکان
اعمال را که ازین روز تا سه روز قلم از مردم بردارند
ونویسند کناهان ایشانرا برای کرامت تو ووصی تو

ای محمد این روز را عیدی گردانیده ام برای تو و اهل بیت
تو و برای هر که تابع ایشان باشد از مومنان و شیعیان
ایشان و سوگند یاد می کنم بر خود بعزت و جلال خود
و علو منزلت و مکان خود که عطا کنم کسی را که عید
کند این روز را برای من ثواب آنها که بر دور عرش حاضر
کرده اند و قبول کنم شفاعت او را در خویشان او
و زیاده کنم مال او را اگر گشادگی دهد بر خود و عیال
خود درین روز و هر سال درین روز صد هزار
کس از موالیان و شیعیان شما را از آتش جهنم آزاد
کرده ام و اعمال ایشان را مقبول کرده ام و گناهان ایشان
بیامرزم حذیفه گفت پس برخاست رسول خدا
صلی الله علیه و آله و بخانه ام سلمه رفت و من بر
گشتم و صاحب یقین بودم در کفر عمر تا آنکه بعد
از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله دیدم که او
چه فتنها برانگیخت و کفر اصلی خود را اظهار
نمود و از دین برگشت و دامان بیحیائی و وقاحت
برای غصب امامت و خلافت بر زد و قرآن را تحریف
کرد و آتش در خانه وحی و رسالت زد و بدعتها

در دین خدا پیدا کرد و ملت پیغمبر را تغییر داد
و سنت آن حضرت را بدل کرد و شهادت حضرت امیر
المؤمنین را رد کرد و فاطمه دختر رسول خدا صلی الله
علیه و آله را بدروغ نسبت داد و فدک را غصب کرد
و یهود و نصاری و مجوس را از خود راضی کرد و
و نور دیده مصطفی را بخشم آورد و در رضاجوئی
اهل بیت رسالت نکرد و جمیع سنتهای رسول را
برطرف کرد و تدبیر کشتن امیر المؤمنین کرد و جور و
ستم را در میان مردم علانیه کرد و هر چه خدا حلال
کرده بود حرام کرد و هر چه را خدا حرام کرده بود
حلال کرد و حکم کرد که از پوست شتر دینار و درم
بسازند و خرج کنند و در پیشکم فاطمه زهرا زد و بر
منبر حضرت رسالت صلی الله علیه و آله بالا رفت و بر
حضرت امیر المؤمنین ع افترا بست و با آن حضرت
معارضه کرد و رای آنحضرت را بسفاهت نسبت
داد حذیفه گفت که پس حق تعالی دعای برگزیده خود و
دختر پیغمبر خود را در حق آن منافق مستجاب گردانید
و قتل او را بر دست کشنده او جاری ساخت

رفتیم بنزد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه که
ان حضرت را تهنیه و مبارکباد بگوییم بانکه ایمنا خوق
کشته شد و بعذاب حق تعالی واصل گردید چون حضرت
مرا دید گفت ای حذیفه ایا خاطر داری این روز را که آمدی
بنزد رسول خدا صلی الله علیه واله و من و دو سبط
او حسن و حسین بنزد او نشسته بودیم و با او
طعام میخوردیم پس ترا دلالت کرد بر فضیلت این
روز گفتم بلی ای برادر رسول خدا حضرت فرمود که
بخدا سوگند که این روزیست که حق تعالی در ان
روز دیدهٔ آل الرسول صلی الله علیه واله را روشن کرد انه
و من برای این روز هفتاد و دو نام میدانم حذیفه
گفت یا امیر المؤمنین میخواهم که ان نامها را از تو
بشنوم حضرت فرمود که این روز استراحت است
که مؤمنان از شر ان منافق استراحت یافتند و روز
زایل شدن کرب و غم است و روز غدیر دوم است
و روز تخفیف گناهان شیعیانست و روز اختیار
نیکو برای مؤمنان است و روز برداشتن قلم از
شیعیانست و روز هم شکستن بنای کفر و عدوان

و روز

و روز عافیت است و روز برکتست و روز طلب خونهای
مؤمنانست و روز عید بزرگست و روز مستجاب
شدن دعا است و روز موقف اعظم است و روز
وفا بعهد است و روز شرطست و روز کندن
جامهٔ سیاه است و روز ندامت ظالم است و روز
شکسته شدن شوکت مخالفانست و روز نفی
همومست و روز فتحست و روز عرض اعمال
کافرانست و روز ظهور قدرت خدا است و روز
عفو از گناهان شیعیان است و روز فرح ایشان است
و روز توبه است و روز انابت بسوی حق تعالی است
و روز زکوة بزرگست و روز فطر دوم است و روز
اندوه باغیانست و روز گرفته شدن آب در گلوی
مخالفان است و روز خوشنودی مؤمنان است
و روز عید اهل البیت است و روز ظفر یافتن
بنی اسرائیل بر فرعونست و روز مقبول شدن اعمال
شیعیان است و روز پیش فرستادن تصدقات
است و روز زیادتی مثوبات است و روز قتل
منافقست و روز وقت معلوم است و روز سرور

اهل بیت است و روز مشهود است و روز قهر بر
دشمن است و روز خراب شدن بنیان ضلالت است
و روزیست که ظالم انگشت ندامت بدندان می‌گیرد
و روز تنبیه است و روز شرف است و روز
خنک شدن دلهای مؤمنان است و روز شهادة
است و روز تازگی بوستان اهل ایمانست و روز
شیرینی کام ایشانست و روز خوشی دلهای مؤمنان
است و روز بر طرف شدن پادشاهی منافقان است
و روز توفیق اهل ایمان است و روز رهائی مؤمنان
از شر کافرانست و روز مظاهرة است و روز
مفاخرة است و روز قبول اعمالست و روز تبجیل
و تعظیم است و روز نحله و عطا است و روز
شکر حق تعالی است و روز یاری مظلومان است
روز زیارت کردن مؤمنان است و روز محبت
کردن ایشانست و روز رسیدن برحمتهای الهی است
و روز پاک گردانیدن اعمالست و روز فاش کردن
رازهاست و روز بر طرف شدن بدعتهاست
و روز ترک گناهان کبیره است و روز نداکردن

بحق

بحق است و روز عبادت است و روز موعظه و نصیحت
است و روز انقیاد پیشوایان دین است حذیفه
گفت که پس از خدمت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه برخواستم و گفتم اگر در نیابم از افعال خیر بجز
امید ثواب از آن دارم مگر محبت این روز و دانستن
فضیلت این را هر آئینه منتهای آرزوی من خواهد
بود پس محمد و یحیی راویان حدیث گفتند که چون
این حدیث را از احمد بن اسحق شنیدیم هر یک بر
خواستیم و سر او را بوسیدیم و گفتیم حمد و شکر می
میکنیم خداوندیرا که برانگیخت ترا از برای ما تا آنکه
فضیلت این روز را بما رسانیدی پس بخانهای خود
برگشتیم و این روز را عید کردیم و صاحب کتاب
زواید الفواید گفته است که این حدیث را از خط
علی بن محمد بن طی رحمة الله علیه نوشتم و در کتب دیگر تتبع
کردم چندین روایت دیگر موافق این یافتم پس اعتماد
برین روایات نمودم و سزاوار است شیعیان را
که این روز را تعظیم نمایند و اظهار شادی و سرور
درین روز بکنند و شیخ ابرهیم بن علی کفعمی در کتاب

مصباح گفته است که صاحب کتاب مسار الشیعه
روایت کرده است که هر که در روز نهم ماه ربیع الاول
انفاق کند حق تعالی گناهان او را بیامرزد و مستحب
است درین روز اطعام برادران مؤمن و خوشبو
گردانیدن ایشان و توسعه دادن بر عیال خود
و دیگران و پوشیدن جامهای نو و شکر عبادت
حق تعالی و این روز برطرف شدن غمها است
و روز روزه داشتن نیست مترجم گوید که
از نقل این بزرگواران معلوم شد که بر فضیلت
این روز و وقوع این قضیه مبارکه در این احادیث
بسیار وارد شده است و در اعصار سابقه میان
شیعه مشهور بوده است و بر خلاف فسق روایتی
بنظر این قاصر نرسیده است و اتفاق مورخان
عامه با احادیث معتبره معارضه نمیکند و اگر
کسی استبعاد کند که چنین واقعه عظیمی که
سبب حزن جمعی و سرور جمعی گردد چون می تواند
بود که مضبوط نگردد نماند جواب آنست که این
واقعه از واقعه وفات حضرت رسالت صلی الله علیه

علیه وآله

وآله و شهادت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
عظیم تر نیست و در هر یک از آنها خلاف میان
خاصه و عامه هست و در واقعه اول اتفاق
دارند عامه بر خلاف این خبر مختار شیعه است و
اگر گویند که باعث بر افترای ایشان اینجا چیست جواب
میگوئیم که شبهه در هر دو جا جاریست و باعث
قوی در اینجا هست که ممکن است که برای رفع
شماتت دشمنان اخفای آن نموده باشند و علی
ای حال چون مدار علمای خاصه و عامه بر آنست
که در مستحبات باحادیث ضعیفه متمسک
میشوند بنا بر احادیث صحیحه که از ائمه طاهرین
صلوات الله علیهم اجمعین وارد شده است که
هر که ثوابی از خدا باو رسد بر عملی و آن را بجا آورد
آن ثواب باو داده میشود هر چند چنان نباشد
که باو رسیده است پس اگر اعمال این روز که
نوعی از شادی واقع شده باشد و مخالفتی
با آیات و اخبار نداشته باشد کسی بعمل آورد
خوب خواهد بود و مستحق ثواب خواهد گردید

وبعضی میکویند که عمر بن سعد علیه اللعنة درین
روز بجهنم واصل شده است واکر چنین باشد
این شرافت نیز برای ان کافیست تمت الرسالة
والحمد لله وحده وصلی الله علی محمد واله الطاهرین
ولعنت الله علی اعدائهم اجمعین الی یوم الدین

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله وسلام علی عباده الذین اصطفی اما بعد
شیخ صدوق محمد بن بابویه قمی رحمة الله علیه در کتاب توحید
وکتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام بسند
صحیح روایت کرده است از سلیمن جعفری عن ابی
الحسن الرضا علیه السلام قال ذکر عنده الجبر والتفویض
فقال الا اعطیکم فی هذا اصلا لا تختلفون فیه
ولا یخاصمکم علیه احد الا کسرتموه قلنا
ان رایت ذلک یعنی سلیمن جعفری از حضرت
امام رضا علیه السلام روایت کرده است که مذکور
شد نزد انحضرت مذهب جبر وتفویض پس
حضرت فرمود که ایا ببخشم بشما درین باب اصلی
وقاعده

وقاعده کلی که در ان باب اختلاف نکنید و مخاصمه
نکند در ان باب با شما احدی از مخالفان مکر
اورا درهم شکنید و حجت اورا باطل کردانید
کفتیم اکر مصلحت دانی شفقت خواهی کرد فقال ان
الله عز وجل لم یطع باکراه ولم یعص بغلبة
ولم یهمل العباد فی ملکه هو المالک لما ملکهم
والقادر علی ما اقدرهم علیه فان ائتمر العباد
بطاعته لم یکن الله عنها صادا ولا منها مانعا
وان ائتمروا بمعصیته فشاء ان یحول بینهم و
بین ذلک فعل وان لم یحل وفعلوه فلیس هو
الذی ادخلهم فیه ثم قال من یضبط حدود
هذا الکلام فقد خصم من خالفه پس حضرت فرمود
که بدرستی که خدای عز وجل اطاعت کرده نمیشود
باکراه که خدا جبر کند ایشانرا بر طاعت و معصیت
کرده نشده است بغلبه که نتواند ایشانرا از
معصیت باز داشتن و ایشان بر خداوند خود
غالب شده باشند و مهمل نکذاشته است
بندکانرا در ملک خود اوست مالک هر چیز که